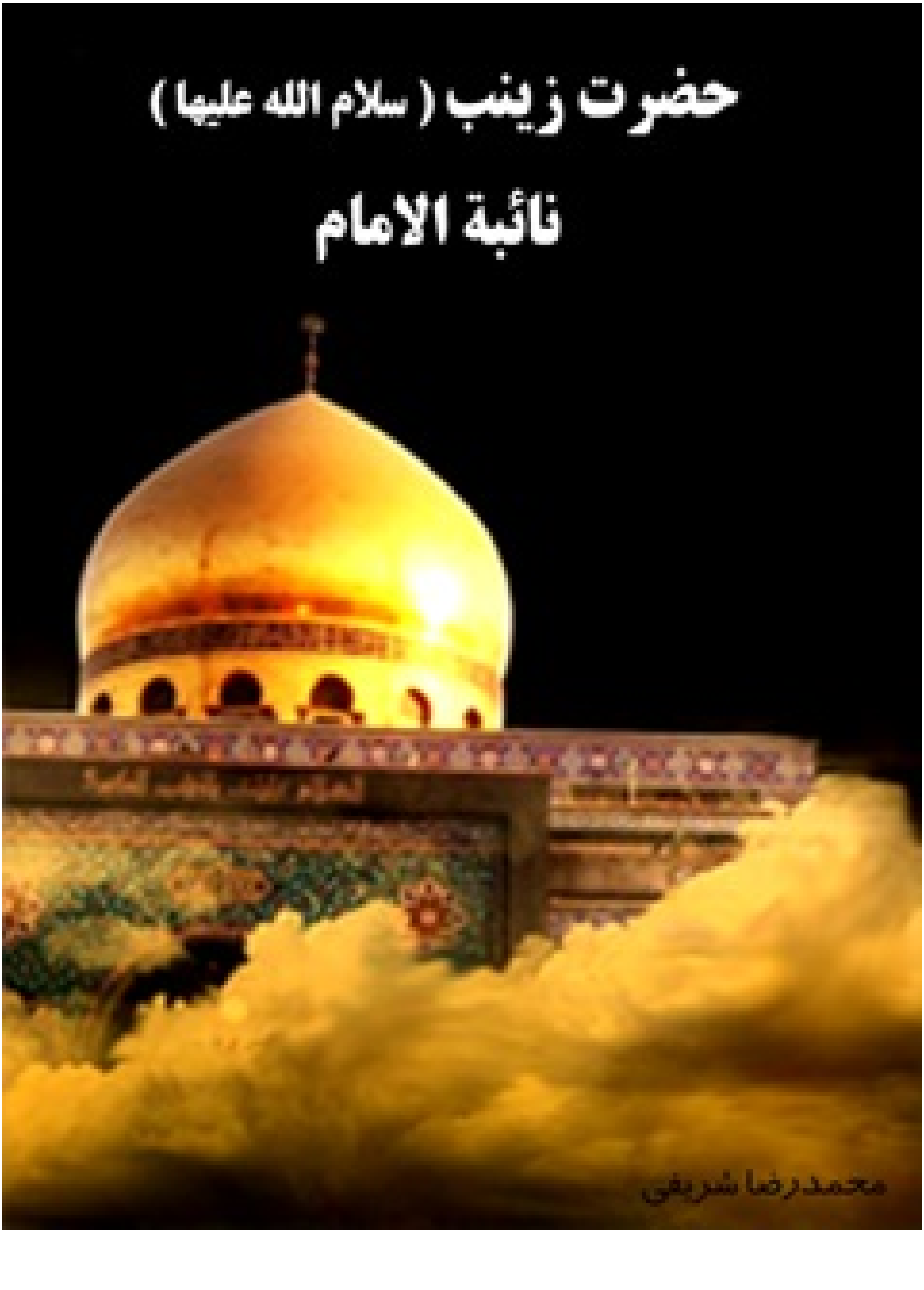

حضرت زینب (سلام الله علیها)
نائبة الامام
محمدرضا شریفی

بسم الله الرحمن الرحیم

حضرت زینب (سلام الله علیها) نائبه الامام

نویسنده:

واحد تحقیقات مرکز غدیرستان کوثر نبی صلی الله علیه و آله و سلم

ناشر چاپی:

مرکز غدیرستان کوثر نبی (صلی الله علیه و آله و سلم)

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

حضرت زینب (سلام الله علیها) نائبه الامام

مشخصات کتاب

سرشناسه:مرکز تخصصی غدیرستان کوثر نبی (ص)

عنوان و نام پدیدآور:غدیر در سیره عملی امام جواد علیه السلام/واحد تحقیقات مرکز تخصصی غدیرستان کوثر نبی (ص)/محمدرضا شریفی

مشخصات ظاهری:نرم افزار تلفن همراه و رایانه

موضوع: حضرت زینب (سلام الله علیها) - غدیر

ص: ۱

غدیر در سیره حضرت زینب (سلام الله علیها)

اشاره

غـدیر ظرفی است که اهمیت آن به مظروف آن می باشـد و آن ولاـیت است و بزرگـان در طول تاریـخ نسـبت به ولایت و صاحبان ولایت اهمیت ویژه ای داده اند و در راه دفاع از آن تا پای جان و فدا نمودن فرزندان و زندگی خود تلاش نموده اند .

حضـرت زینب (سـلام الله علیهـا) بـارزاین شخصـیت های منحصـر بفرد است که از محضـر پـدر بزرگوارشان امیرالمومنین علی علیه السـلام صاحب غدیر بهره مند بردند و سپس مدافع امام زمانشان حسن بن علی علیه السلام و بعد مدافع و فدائی امام زمانشان حسین بن علی علیه السـلام شدند و در نهایت در محضـر امام زمانشان حضـرت زین العابدین علیه السـلام دفاع او از سـید الشهدا در صحنه کربلاـ و حفـظ جـان ایشـان در چنـدین جایگاه و حفظ جان زین العابـدین علیه السـلام و خطبه ء آتشـین او در کوفه و شام همراه با بیداری مردم کوفه و شام و ... همگی در مسیر دفاع از ولایت بود

هر تحمل مصائب در این راه و صبر در جهت دفاع از معارف غدیر.

شهادت

مـاجرای کربلاـ پایـان پـذیرفته ، ولی غمهای حضـرت زینب (سـلام الله علیها) فراموش شـدنی نیست . هر لحظه او کربلا و عاشورا و اسـارت و درد رنـج است . هر لحظه ، مـدینه یـادآور حـدیث کساء اهل بیت (علیهم السـلام)و دوران هجرت حضـرت زینب و امام حسین (علیهما السلام) ، از سخت ترین دوران عمر اوست .

در مدینه قحطی سختی رخ داده است . عبدالله بن جعفر که بحر جود و کرم است و عادت بر بذل و عطا دارد ، به دلیل اینکه دستش از سـرمایه دنیـا تهیه گشـته راهی شام می گردد و به کار زراعت مشـغول می شود؛ ولی حضـرت زینب (سـلام الله علیها)، هر روز او گریه و داغ دل است . مدتی می گذرد که زینب گرفتار تب وصل خانواده اش می گردد و هر لحظه مریضـی او شدت پیدا می کند ، تا اینکه نیمه ظهر به همسر خویش عبدالله می گوید : ((بستر مرا در حیاط به زیر آفتاب قرار بده .))

عبـدالله می فرمایـد : ((او را در حیاط جای دادم که متوجه شدم چیزی را روی سـینه خویش نهاده و مدام زیر لب حرفی می زند . به او نزدیک شدم دیدم پیراهنی را که یادگار از کربلاست ؛ یعنی پیراهن حسین را ، که خونین و پاره پاره است ، بر روی سینه نهاده و مدام می گوید : ((حسین ، حسین ، حسین ! . . .))

لحظاتی بعد او وارد بر حریم اهل بیت النبوه گشت و کارنامه عمرش به به خیر و سعادت ختم گردید .

حضـرت زینب سـلام الله علیها، شیر زن دشت کربلا سرانجام پس از عمری دفاع از طریق حقه ولایت و امامت در ۱۵ رجب سال ۶۳ هجری قمری در ضـمن سـفری که به همراه همسر گرامیشان عبداللّه بن جعفر به شام رفته بودند، به شهادت رسیدند و بدن مطهر آن بانوی بزرگوار در همانجا دفن گردید.

مزار ملکوتی آن حضـرت (دمشق/سوریه)، اینک زیارتگاه عاشقان و ارادتمندان اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السّلام می باشد. در بحرالمصایب گویـد:حضـرت زینب (سـلام الله علیها)بعـد از واقعه کربلا و رنـج و شام و محنت ایام ، چنـدان بگریست که قـدش خمیده و گیسوانش سفید گردید؛ دایم الحزن بزیست تا رخت به دیگر سرای کشید .

ص: ۲

۲۰۰داستان از فضایل ، مصایب و کرامات حضرت زینب (سلام الله علیها).

میلاد ونامگذاری آسمانی

بسم الله الرحمن الرحیم

حضرت زینب (سلام الله علیها)

معرّفی اجمالی

حضرت زینب (سلام الله علیها) روز پنجم جمادی الاولی سال پنجم یا ششم هجری دیده به جهان گشود.

پدرش حضرت امیر المؤمنین علی (علیه السلام)

مادرش حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) می باشد.

پس از تولّد، حضرت فاطمه (سلام الله علیها)دخترش را نزد امیر المؤمنین علی (علیه السلام) بردند و از ایشان خواستند که نامی برای وی انتخاب نماید،

امیر المؤمنین علی (علیه السلام) فرمود: از پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم)پیشی نمی گیرم در آن هنگام پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) در مسافرت بودند.

پس از بازگشت، امیر المؤمنین علی (علیه السلام) به محضرشان شرفیاب شد و از ایشان در خواست کرد که برای دخترش نامی انتخاب بکند.

رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم)فرمودند: من هم از پروردگارم پیشی نمی گیرم.

در این هنگام جبرئیل نازل شد و درود پروردگار را ابلاغ فرمود و گفت: نام این دختر را «زینب» انتخاب کن. زیرا خداوند چنین فرموده است.

سپس از مصائبی که بر این کودک وارد می شود خبر داد؛

پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم)در حالی که سخت می گریستند

فرمود: هر کس بر او بگرید مانند کسی است که بر حسین (علیه السلام) گریسته.

اسیران و جانبازان کربلا، ص: ۹۰

نام والقاب

حضرت زینب (سلام الله علیها)لقب های فراوانی دارد که عبارت انـد از: صـدّیقه صـغری، عقیله بنی هاشم، عقیله الطّالبیّین، موثّقه، عارفه، عالمه غیر معلّمه، فاضله، کامله، عابده آل ابی طالب.

ص: ۳

القاب دیگری که برای حضرت ذکر کرده اند:

عالمه غیر معلمه : دانای نیاموخته

فهمه غیر مفهمه : فهمیده بی آموزگار

کعبه الرزایا : قبله رنجها .

نائبه الزهراء : جانشین و نماینده حضرت زهرا (سلام الله علیها)

نایبه الامام : جانشین و نماینده امام حسین (علیه السلام)

ملیکه الدنیا : ملکه جان ، شه بانوی گیتی .

عقیله النساء : خردمند بانوان .

عدیله الخامس من اهل الکساء : همتای پنجمین نفر از اهل کساء .

شریکه الشهید : انباز شهید .

کفیله السجاد : سرپرست حضرت سجاد(علیه السلام).

ناموس رواق العظمه : ناموس حریم عظمت و کبریایی .

سیه العقایل : بانوی بانوان خردمند .

سر ابیها : راز پدرش امیرالمومنین علی (علیه السلام)

سلاله الولایه : فشرده و خلاصه و چکیده ولایت .

ولیده الفصاحه : زاده شیوا سخنی .

شقیقه الحسن : دلسوز و غمخوار حضرت حسن (علیه السلام) .

عقیلی خدر الرساله : خردمند پرده نشینان رسالت .

رضیعه ثدی الولایه : کسی که از پستان ولایت شیر خورده .

بلیغه : سخنور رسا .

فصیحه : سخنور گویا .

صدیقه الصغری : راستگوی کوچک (در مقابل صدیقه کبری) .

الموثقه : بانوی مورد اطمینان .

عقیله الطالبین : بانوی خردمند از خاندان حضرت ابوطالب (علیه السلام) و (در بین طالبیان) .

الفاضله : بانوی با فضیلت .

الکامله : بانوی تام و کامل .

عابده آل علی : پارسای خاندان علی

عقلیه الوحی : بانوی خردمند وحی

شمسه قلاده الجلاله : خورشید منظومه بزرگواری و شکوه .

نجمه سماء النباله : ستاره آسمان شرف و کرامت .

ص: ۴

المعصومه الصغری : پاک و مطهره کوچک .

قرینه النوایب : همدم و همراه ناگواری ها .

محبوبه المصطفی : مورد محبت و محبوب حضرت رسول (صلی الله علیه وآله) .

قره عین المرتضی : نور چشم حضرت امیرالمومنین علی (علیه السلام) .

صابره محتسبه : پایداری کننده به حساب خداوند برای خداوند .

عقیله النبوه : بانوی خردمند پیامبری .

ربه خدر القدس : پرونده پرده نشینان پاکی و تقدیس .

قبله البرایا : کعبه آفریدگان .

رضیعه الوحی : کسی که از پستان وحی شیر مکیده است .

باب حطه الخطایا : دروازه آمرزش گناهان .

حفره علی و فاطمه : مرکز جمع آوری دوستی و محبت امیرالمومنین علی (علیه السلام) و حضرت فاطمه (سلام الله علیها) .

ربیعه الفضل : پیش زاده فضیلت و برتری .

بطله کربلاء : قهرمان کربلا .

عظیمه بلواها : بانویی که امتحانش بس بزرگ بود .

عقلیه القریش : بانوی خردمند از قریش .

الباکیه : بانوی گریان .

سلیله الزهراء : چکیده و خلاصه حضرت زهرا (سلام الله علیها) .

امنیه الله : امانت دار الهی .

آیه من آیات الله : نشانی از نشانه های خداوند .

مظلومه و حیده : ستمدیده بی کس .

کنیه اش، امّ المصائب، امّ الرّزایا، امّ النّوائب، امّ کلثوم کبری، امّ عبداللّه و امّ الحسن بوده است.

کنیه او را نیز ام کلثوم گذاشتند. وی دختر بزرگ این خانواده می باشد. داستان از فضایل ، مصایب و کرامات حضرت زینب (سلام الله علیها) نوشته عباس عزیزی ص:۵۳

اسیران و جانبازان کربلا، ص: ۹۰

فضائل

اشاره

«حضرت زینب سلام الله علیها» دختر امیر المومنین علی بن ابی طالب (علیه السلام)و فاطمه زهرا (سلام الله علیها) بود و بدین جهت مورد توجه مسلمانان قرار داشت.

ص: ۵

او در بزرگ ترین حماسه نبرد حق علیه باطل، نقش مهمّ و سرنوشت ساز داشته و پیام رسان انقلاب عاشورا بود.

زینب (سلام الله علیها) علاوه بر شخصیت خانوادگی، از نظر اخلاقی و معنوی دارای کمالات فراوان بود. او عالمه غیر معلّمه، سخنوری کم نظیر، زاهدی شب زنده دار، مجاهدی نستوه و الگوی کامل زن معرّفی شده در قرآن بود. او با شجاعتی تحسین برانگیز، رو در روی یزید و مزدورانش ایستاد و پیروزی نهضت حسینی و شکست امویان را اعلام کرد:

فَکِد کَیْدَک واسْعَ سَعْیَک، فَواللَّهِ لا تَمْحُو ذِکْرَنا، وَ لا تُمیتُ وَحْیَنا ... یزید! هر حیله ای که داری به کار گیر و هر تلاشی می توانی انجام ده، سوگند به خداوند که هرگز نمی توانی نام و یاد ما را از ذهن ها محو کنی و یا آیین و وحی ما را از میان برداری ...

این سخنان را زن داغدیده ای اظهار کرد که یزیدیان عزیزترین کسان او را با دلخراش ترین وضع به شهادت رسانده بودند!

ایمان محکم و استوار حضرت زینب (سلام الله علیها) نیز تحسین برانگیز است؛ وقتی ابن زیاد گفت: رفتار خدا را با برادر و خاندانت چگونه دیدی؟

فرمود:

من جز نیکی ندیدم. اینان مردمانی بودند که خداوند تعالی کشته شدن را برای آنها مقدّر فرموده بود و آنان نیز (با کمال افتخار) به آرامگاه خود شتافتند ... ولی بدان که به زودی خدای (با عظمت) میان تو و ایشان جمع خواهد کرد و تو را مورد بازخواست و احتجاج قرار خواهد داد.

«حزیم اسدی» می گوید:

سوگند به خدا! زن با حیایی سخنورتر از زینب ندیدم، گویا او با زبان امیرالمومنین علی (علیه السلام)سخن می گفت!

ص: ۶

او بـدون کوچـک تریـن واهمـه ای در مجلس «ابن زیـاد» در کـوفه و مجلس «یزیـد بن معـاویه» در شـام در معرّفی اهـل بیت (علیهم السلام)و اهداف والای شهدای کربلا سخن راند و چهره کریه بنی امیّه را به مردم نمایاند.

بدون تردید نقش و تأثیر شخصیت زینب کبری (سلام الله علیها) در شکل گیری و موفقیّت نهضت خونین عاشورا بسیار چشمگیر بوده است. زمینه های قیام امام حسین(علیه السلام)(ج ۲)، ص: ۲۷۷

علم

تفسیر قرآن

فاضل گرامی سید نورالدین جزایری در کتاب خود ((خصایص الزینبیه)) چنین نقل می کند :

((روزگاری که امیرالمو منین علی (علیه السلام) در کوفه بود ، حضرت زینب (سلام الله علیها) در خانه اش مجلسی داشت که برای زنها قرآن تفسیر و معنی آن را آشکار می کرد . روزی ((کهیعص)) را تفسیر می نمود که ناگاه امیرالمو منین علی(علیه السلام) به خانه او آمد و فرمود : ای نور و روشنی دو چشمانم ! شنیدم برای زن ها ((کهیعص)) را تفسیر می نمایی ؟

حضرت زینب (سلام الله علیها) گفت : آری . امیرالمو منین علی (علیه السلام) فرمود : این رمز و نشانه ای است برای مصیبت و اندوهی که به شما عترت و فرزندان رسول خدا(صلی الله علیه وآله) روی می آورد . پس از آن مصایب و اندوه ها را شرح داد و آشکار ساخت . پس آن گاه حضرت زینب (سلام الله علیها)گریه کرد ، گریه با صدا . ۲۰۰ داستان از فضایل،مصایب و کرامات حضرت زینب (سلام الله علیها)نوشته عباس عزیزی ص: ۱۷

عالمه غیرمعلمه

قَالَ عَلِیُّ بْنُ الْحُسَیْنِ زین العابدین (علیه السلام) یَا عَمَّهِ ...أَنْتِ بِحَمْدِ اللَّهِ عَالِمَهٌ غَیْرُ مُعَلَّمَهٍ فَهِمَهٌ غَیْرُ مُفَهَّمَهٍ...

ص: ۷

امام زین العابـدین علیه السـلام خطاب به عمه ی بزرگوارشان حضـرت زینب (سـلام الله علیها)فرمودنـد :شـمابحمدالله عالمیـد بدون اینکه دارای معلم بوده باشـید وشما فهمیده ای هستید بدون اینکه کسی به شما فهمانده باشد اشاره است به علم لدنی حضرت (سلام الله علیها)

عبادت حضرت زینب سلام الله علیها

- عبادت حضرت زینب (سلامالله علیها)

یکی از ویژگی هـای این بـانوی بزرگوار اسـلام حـالت معنوی و ارتبـاط قوی او با آفریـدگار جهان بود. به طوری که نقل کرده اند حتّی در شب یازدهم محرم که شب شام غریبان بود نماز شـبش ترک نشد؛ منتهی به خاطر ضـعفی که بر وی مسـتولی شده بود نماز شب خویش را در آن شب نشسته خواند.

مرحوم نقدی در کتابش آورده که: حضـرت زینب (سلام الله علیها) در عبادت ثانی حضرت زهرا (سلام الله علیها) بود، تمام شبها را به عبادت، تهجّـد و تلاوت قرآن سپری می کرد. وی هم چنین از برخی از بزرگان نقل می کنـد که در طول عمر تهجّد و شب زنده داری اش ترک نشـده است حتّی در شب یـازدهم محرّم امـام زین العابـدین (علیه السـلام)می فرمایـد: در شب یـازدهم محرم دیـدم نشسـته نماز می خوانـد. نیز آن بزرگوار می فرماید: با این همه مصـیبت و اندوهی که به ما روی آورده اما در مسـیری که به شام می رفتیم نافله های شب عمه ام اصـلًا ترک نشد، امام حسین (علیه السلام)در آخرین وداع با خواهرش حضرت زینب (سلام الله علیها) به او فرمـود: یـا اختـاه لاتنسـینی فی نـافله اللّیـل، خـواهرم مرا در نمـاز شب فرامـوش نکن. هم چنین از فـاطمه دخـتر امـام حسـین (علیه السـلام)چنین نقل شده که: عمّه ام زینب(سـلام الله علیها) در شب دهم محرم در محراب عبادت مشـغول مناجات بود و با خدا راز و نیاز می کرد در حالی که چشـمی از ما به خواب نرفته و ضـجّه های مان آرام نشده بود. نیز از امام سجاد نقل شده: هنگامی که ما را از کوفه به سوی شام حرکت می دادند عمه ام زینب (سلام الله علیها) مرتب نمازهای واجب و مستحب خویش را انجام می داد و در بعضـی از منازل نمازش را نشسـته می خوانـد، وقتی سـبب را پرسـیدم؟ گفت: به خاطر گرسـنگی و ضـعف؛ زیرا سه شـبانه روز غذا نخورده بود و سهم غذایش را در میان کودکان تقسیم کرده بود.

ص: ۸

اسیران و جانبازان کربلا، ص: ۱۰۶

خطبه حضرت زینب سلام الله علیها در کوفه

سید بن طاووس می نویسد: شبیر بن خزیم اسدی گوید: در آن روز زینب دختر امیرالمومنین علی (علیه السلام)را چنان دیدم که هیچ زنی به سخنوری او نبود. گویی که از زبان پدرش امیرالمومنین علی (علیه السلام) سخن می گفت. او به مردم اشاره کرد که ساکت باشند. در پی آن نفسها در سینه حبس شد و زنگها از حرکت باز ایستاد. آنگاه فرمود:

الحمدللّه، درود بر جدّم محمد و خاندان پاک و برگزیده اش. ای مردم کوفه، ای اهل فریب و نیرنگ! آیا گریه می کنید؟ هنوز اشک چشم ما خشک و آه سینه هامان آرام نشده است. مَثَل شما مثل همان زنی است که رشته های خود را می بافت و سپس آن را برمی گشود. شما ایمانتان را در میان خود به تباهی کشانده اید.

آگاه باشید، در میان شما جز چاپلوسی، شر، فساد، نخوت، عجب، کینه، و تملق گویی چیزی دیده نمی شود. شما همچون گیاهی هستید که بر منجلاب بروید یا نقره ای که در خاک مدفون باشد. بدانید که شما بد ذخیره ای برای آخرت خویش فرستاده اید.

شما سزاوار خشم خدایید و در عذاب، جاوید خواهید ماند.

آیا می گریید و صدا به شیون بلند می کنید؟ آری به خدا سوگند که باید بسیار بگریید و اندک بخندید. ننگ این جنایت دامنتان را آلوده ساخته و با هیچ آبی نمی توانید آن را بشویید. مگر می شود خون پسر خاتم پیامبران و معدن رسالت و سرور جوانان اهل بهشت را شست؟ شما کسی را کشتید که پناهگاه نیاکان و دادرس پیش آمدهای ناگوار و جایگاه نور و محبّت شما و پیشوای سنّت شما بود.

ص: ۹

بدانیـد که گناهی زشت مرتکب شده اید و از رحمت خداوند دور باشـید و نابود گردید. کوششـهایتان بی نتیجه و دسـتهایتان بریده باد. شما سخت زیانکارید و خشم خدا را به جان خریدید و داغ خواری و بیچارگی بر شما نقش بست.

ای مردم کـوفه، وای بر شـما، آیـا می دانیـد کـه چـه دلی از رسـول خـدا (صـلی الله علیه وآله وسـلم) خراشـیدید و چه جگری از او شکافتید و چه کسانی را از پرده عصمت بیرون آوردید؟

آیـا می دانیـد که چه خونی از پیـامبر (صـلی الله علیه وآله وسـلم)، بر زمین ریختیـد و چه حرمتی از او هتـک کردیـد؟ شـما گنـاهی بزرگ، سخت، زشت، ناروا، خشونت آمیز و شرم آور مرتکب گشتید.

گناهی که زمین را پر کرده و آسـمان را فرا گرفته است! آیا در شـگفتید که از آسمان خون ببارد؟ هر آینه عذاب آخرت ذلت بارتر و سـخت تر است، شـما را در آن روز یاری نمی کننـد. مبادا مهلتی که به شـما داده انـد تحریکتان کنـد، زیرا خداوند در دادن کیفر شتاب نمی کند و از سپری شدن وقت مکافات بیمی ندارد؛ و پروردگارتان در کمینگاه است.»

راوی گوید: به خدا سوگند دیدم که مردم در آن روز گریان و سرگردانند. دستهایشان را بر دهان گذاشته اند. پیرمردی را دیدم که در کنارم ایستاده بود و آنقـدر گریست که محاسـنش تر شـد؛ و می گفت: پدر و مادرم فدایتان باد، پیرانتان بهترین پیرها، جوانانتان بهترین جوانها، زنانتان بهترین زنها و نسل شما بهترین نسلها است. نه خوار می شوید و نه شکست می پذیرید.

(۱). اللهوف، ص ۱۹۲؛ و ر. ک. امامی مفید، ص ۳۲۱؛ الفتوح، ج ۵، ص ۱۳۹؛ امامی طوسی، ج ۱، ص ۹۰؛ مثیر الاحزان، ص ۸۶؛ مناقب آل ابی طالب، ج ۴، ص ۱۱۵، و بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۱۶۲.

ص: ۱۰

۲۰۰ داستان از فضایل ، مصایب و کرامات حضرت زینب (سلام الله علیها) با کاروان حسینی(ج ۵)، ص: ۸۵

خطبه حضـرت زینب (سلام الله علیها)در کوفه در جمع مردم (متن عربی و ترجمه) قالَ بَشیرُ بْنُ خزیم الاسْدی : بشیر بن خزیم اسدی گوید :

زینب دختر علی را در آن روز دیدم، وَ نَظَرْتُ الی زَیْنَبَ اِبْنَهِ عَلِیّ یَوْمَئِذٍ، فَلَمْ اءَرْ خَفِرَهً قَطُّ اءَنْطَقَ مِنْها، به خدا سوگند زن با حیایی را تا آن روز سـخنورتر از او ندیدم؛ کَاءَنَّها تُفْرَغُ مِنْ لِسانِ اءَمِیرِ الْمُؤ مِنینَ ع ، وَ قَدْ اءَوْمَاءَتْ الَی النّاسِ اءَن اسْـکُتُوا، گویا که کلمات را بازبـان گویـای امیرالمومنین علی بن ابی طـالب علیه السـلام جـاری می نمود، حضـرت زینب سـلام الله علیهـا به مردم اشاره کرد که سـاکت شویـد. فَارْتَـدَّتِ الانْفاسُ وَ سَـکَنَتِ الاجْراسُ، ثُمَّ قالَتْ: ناگهان نفس ها در سـینه ها حبس شـد و زنگ شتران از صـدا افتاد. آنگاه فرمود : اءَلْحَمْدُ لِلّهِ، وَ الصَّـلاهُ عَلی جَدّی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّیِّبینَ الاخْیارِ. ستایش از آن خداست و درود بر پدرم محمد و خاندان پاک و نیکو کارش.

اءَمّا بَعْـدُ: یا اءَهْلَ الْکُوفَهِ، یا اءَهْلَ الْخَتْلِ وَ الْغَدْرِ، اما بعد : ای مردم کوفه ، ای مردمان حیله گر و خیانت کار !! اءَتَبْکُونَ؟! فَلا رَقَاءَتِ الدَّمْعَهُ، وَ لا هَدَاءَتِ الرَّنَّهُ، گریه می کنید ؟؟ اشک چشمانتان خشک نشود و ناله هایتان آرام نگیرد.

اِنَّمَـا مَثَلُکُمْ کَمَثَلِ الَّتی نَقَضَتْ غَزْلَها مِنْ بَعْـدِ قُوَّهٍ اءَنْکاثا، تَتَّخِـذونَ اءَیْمانَکُمْ دَخَلا بَیْنَکُمْ. همانا که کار شـما ماننـد آن زنی است که رشـته ی خود را پس از محکم بافتن، یکی یکی از هم می گسـست ، شما نیز سوگندهای خود را در میان خویش، وسیله ی فریب و تقلب ساخته اید.

ص: ۱۱

اءَلا وَ هَلْ فیکُمْ الا الصّلَفُ وَ النَّطَفُ، وَالصَّدْرُ الشَّنِفُ، وَ مَلَقُ الاماءِ، وَ غَمْزُ الاعْداءِ؟! آیا در میان شما جز وقاحت و رسوایی ، سینه های آکنده از کینه ، دو رویی و تملق، همچون زبان پردازی کنیزکان و ذلت و حقارت در برابر دشمنان چیز دیگری نیز یافت می شود ؟

اءَوْ کَمَرْعی عَلی دِمْنَهٍ. یاگیاهی را مانید که در منجلابها می روید که قابل خوردن نیست اءَوْ کَفِضَّهٍ عَلی مَلْحُودَهٍ، یا به نقره ای مانید که گور مرده را به آن آرایش دهند. اءَلا ساءَ ما قَدَّمْتُمْ لِاءَنْفُسِکُمْ اءَنْ سَخِطَ اللّهُ عَلَیْکُمْ وَ فی الْعَذابِ اءَنْتُمْ خالِدُونَ. چه بدتوشه ای برای آخرت فرستاده اید؛توشه ای که همان خشم وسخط خدا است و درعذاب جاویدان خواهید بود. اءَتَبْکُونَ وَ تَنْتَحِبونَ؟! گریه می کنید ؟ زار می زنید ؟ ایْ وَ اللّهِ فَابْکُوا کَثیرا، وَاضْحَکُوا قَلیلا آری به خدا سوگند که باید گریه کنید،پس بسیاربگرییدو کمتربخندید. فَلَقَدْ ذَهَبْتُمْ بِعارِها وَ شَنارِها، وَ لَنْ تَرْحَضُوها بِغَسْلٍ بَعْدَها اءَبدا. چرا که دامان خود را به ننگ و عار جنایتی آلوده اید که ننگ و پلیدی آن را از دامان خود تا ابد نتوانید شست.

وَ اءَنّی تَرْحَضُونَ قَتْلَ سَلیلِ خاتَمِ النُّبُوَّهِ، وَ مَعْدِنِ الرِّسالَهِ، وَ سَیِّدِ شَبابِ اءَهْلِ الْجَنَّهِ، و چگونه می توانیدننگ حاصل از کشتن فرزند رسول خدا(ص)،خاتم پیامبران، معدن رسالت، و سرور جوانان اهل بهشت را از دامان خود بزدایید ؟ وَ مَلاذِ خِیَرَتِکُمْ، کسی که پناه مومنان شما، وَ مَفْزَعِ نازِلَتِکُمْ، فریادرس در بلایای شما، وَ مَنارِ حُجَّتِکُمْ، وَ مِدْرَهِ سُنَّتِکُمْ. مشعل فروزان استدلال شما بر حق و حقیقت و یاور شما در هنگام قحطی و خشکسالی بود. اءَلا ساءَ ما تَزِرونَ، چه بار سنگین و بدی بر دوش خود نهادید ، وَ بُعْداً لَکُمْ وَ سُحْقاً، فَلَقَدْ خابَ السَّعْیُ، وَ تَبَّتِ الایْدی ، وَ خَسِرَتِ الصَّفْقَهُ، وَ بُؤْتُمْ بِغَضَبٍ مِنَ اللّهِ، پس رحمت خدایی از شما دور و دورتر باد. که تلاشتان بیهوده، دستانتان بریده، معامله تان قرین زیان گردیده است، و خود را به خشم خدا گرفتار نموده اید وَ ضُرِبَتْ عَلَیْکُمُ الذِّلَّهُ وَالْمَسْکَنَهُ. و بدین ترتیب خواری و درماندگی بر شما لازم آمده است. وَیْلَکُمْ یا اءَهْلَ الْکُوفَهِ، وای بر شما ای مردم کوفه ! اءَتَدْرُونَ اءَیَّ کَبِدٍ لِرَسُولِ اللّه فَرَیْتُمْ؟! آیا می دانید چه جگری از رسول خدا دریده اید ؟ وَ اءَیَّ کَریمَهٍ لَهُ اءَبْرَزْتُمْ؟! چه زنان و دختران با عفت و وقاری را از خاندان او به کوچه و بازار کشانده اید ؟! وَ اءَیَّ دَمٍ لَهُ سَفَکْتُمْ؟! چه خونی از آن حضرت بر زمین ریخته اید؟! وَ اءَیَّ حُرْمَهٍ لَهُ انْتَهَکْتُمْ؟! و چه حرمتی از او شکسته اید؟! لَقَدْ جِئْتُمْ بِها صَلْعاءَ عَنْقاءَ سَوْداءَ فَقْماءَ. شما این جنایت فجیع را بی پرده و آشکار به انجام رسانید؛ خَرْقاءَ شَوْهاءَ، کَطِلاعِ الارْضِ وَ مِلاءِ السَّماءِ. جنایتی که سر آغاز جنایات دیگری در تاریخ گشته، سیاه ، تاریک و جبران ناپذیر بوده ، تمام سطح زمین و وسعت آسمان را پر کرده است. اءَفَعَجِبْتُمْ اءَنْ مَطَرَتِ السَّماءُ دَما، آیا از اینکه آسمان خون باریده تعجب می کنید؟ وَ لَعَذابُ الاخِرَهِ اءَخْزی وَ اءَنْتُمْ لا تُنْصَرُونَ، در حالی که عذاب آخرت در مقایسه با این امر، بسیار شدیدتر و خوار کننده تر است و در آن روز کسی به یاری شما نخواهد آمد. فَلا یَسْتَخِفَّنَّکُمْ الْمَهْلُ، پس مهلت هایی که خدای متعال به شما می دهد موجب خوشی شما نگردد، فَاءِنَّهُ لا یَحْفُزُهُ البِدارُ وَ لا یَخافُ فَوْتَ الثّارِ، چرا که خدا در عذاب کردن بندگان خود شتاب نمی کند، چون ترسی از پایمال شدن خون و ازدست رفتن زمان انتقام ندارد وَ انَّ رَبَّکُمْ لَبِالْمَرْصادِ. و همانا که خدای شما همیشه در کمین است. قالَ الرّاوی : فَوَ اللّهِ لَقَدْ رَاءَیْتُ النّاسَ یَوْمَئِذٍ حِیاری یَبْکُونَ، وَ قَدْ وَضَعُوا اءَیْدیهُمْ فی اءَفْواهِهِمْ. روای گوید :

ص: ۱۲

به خـدا سوگنـد در آن روز مردم را دیـدم که حیرت زده گریه می کردنـد و گـاه دست در دهان گرفته و پشت دست به دنـدان می گزیدند. وَ رَاءَیْتُ شَیْخا واقِفا الی جَنْبی یَبْکی حَتّی اخْضَلَّتْ لِحْیَتُهُ وَ هُوَ یَقُولُ: از ان میان پیرمردی در کنار من ایستاده و می گریست ، چنانکه محاسن او از اشکش تر شده بود او می گفت : بِاءَبی اءَنْتُمْ وَ اءُمّی کُهُولُکُمْ خَیْرُ الْکُهُولِ، وَ شَبابُکُمْ خَیْرُ الشَّبابِ وَ نِساؤ کُمْ خَیْرُ النِّساءِ، وَ نَسْلُکُمْ خَیْرُ نَسْلٍ، لا یُخزی وَ لا یَبْزی . پـدر و مادرم فـدای شـما باد !! پیران شـما بهترین پیران ، جوانان شـما بهترین جوانان،زنان شما بهترین زنان ونسل شمابهترین نسل است؛ هر گز خوار نشده پذیرای شکست نمی گردید.

متن کامل خطبه حضرت زینب (سلام الله علیها) در شام:

متن کامـل خطبه حضـرت زینب (س) در شام: پس از شـهادت امام حسـین علیه السّـلام در روز دهم محرم سال ۶۱ ه .ق اهـل بیت علیهم السـلام و حرم امام به اسارت دشـمن درآمدنـد. در بامداد دوازدهم محرم خاندان رسول اسـلام صـلی الله علیه و آله به رهبری زینب کبری سلام الله علیها و امام زین العابدین علیه السّلام از کربلا بطرف کوفه حرکت کردند. پس از ورود به کوفه، و خوشحالی درباریـان و ابن زیاد و گرفتن مراسـمی به خاطره پیروزی، به طرف شام، محل اسـتقرار یزیـد حرکت نمودنـد. وقتی سـر حسـین علیه السّـلام و یارانش و اسـراء در مقابل یزید حاضـر شدند، تشـریفات درباری به همان فراوانی بارگاه ابن زیاد انجام شد. «زحر بن قیس که کاروان را به عنوان نماینده ابن زیاد هدایت می کرد سـخنرانی طولانی ایراد کرد و در آن به شـرح چگونگی شهادت امام حسین علیه السّـلام و یـارانش پرداخت.» سـپس از میـان مردم، بعضـی ها نسبت به اسارت خانـدان نبوت اعتراض کردنـد و یزیـد ساکت و جوابی نـداد. وقتی بزرگـان و سـران اهـل شام که یزیـد به مناسـبت پیروزی خود، دعوت کرده بود، حاضـر شدنـد، اسـراء و سـرهای مقـدس را نیز به مجلس آوردنـد.[۱] پس از درخواست مرد سـرخ پوسـتی از اهـل شـام برای کنیزی گرفتن فـاطمه دختر حسـین علیه السّلام از یزید،[۲] و جلوگیری زینب سـلام الله علیهـا از این کار و گفتگوهای تنـد بین یزیـد و ایشان و زدن چوب خیزران بر لبهای مبـارک امـام علیه السّـلام بود که حضـرت زینب سـلام الله علیها برخاست و خطبه آتشـینی ایراد کردنـد. متن عربی این خطبه که در لهوف آمـده است که چنین است: «فقامت زینب بنت علی علیه السّـلام و قالت: الحمد لله رب العالمین، و صـلی الله علی محمد و آله اجمعین. صدق الله کذلک یقول: «ثم کان عاقبه الذین اساءا السوی ان کذبوا بآیات الله و کانوا بها یسـتهزؤون» (سوره روم، آیه ۱۰). اظننت یا یزید حیث اخذت علینا اقطار الارض و آفاق السماء فاصبحنا نساق کما تساق الاماء ان بناء علی الله هواناً و بک علیه کرامه!! و ان ربـک لعظیم خطرک عنـده!! فشـمخت بانفـک و نظرت فی عطفک، جـذلا مسـرورا، حین رایت الـدنیا لک مستوسـقه، و الامور متسـقه و حین صـفالک ملکنا سلطاننا، فمهلا مهلا، انیست قول الله عزوجل: «و لا یحسبن الذین کفروا انما نملی لهم خیر لانفسهم انما نملی لهم لیزدادوا اثما و لهم عذاب مهین» (سوره آل عمران، آیه ۱۷۸).

ص: ۱۳

امن العدل یابن الطلقاء تخدیرک اماء ک و نساء ک و سوقک بنات رسول الله سبایا؟! قد هتکت ستورهن، و ابدیت وجوهَهُنَّ، تحدوبهن الاعداء من بلد الی بلد، و یستشرفهن اهل المنازل و المناهل، و یتصفح وجوههن القریب و البعید، و الدنی و الشریف، لیس معهن من رجالهن ولی، و لا ـ من هماتهن حمی، و کیف ترتجی مراقبه من لفظ فوه اکباد الاذکیاء، و نبت لحمه بدماء الشهداء؟! و کیف یستظل فی ظللنا اهل البیت من نظر الینا بالشنف و الشنآن و الإحن و الاضغان؟! ثم تقول غیر متاثم و لامستعظم: فاهلوا استهلوا فرحا. ثم قالوا: یا یزید لا تشل.

منتحیاً علی ثنایا ابی عبدالله علیه السّلام سید شباب اهل الجنه تنکتها بمخصرتک. و کیف لا تقول ذلک، و قد نکات القرحه، و استاصلت الشافه، باداقتک دماء ذریه محمد صلی الله علیه و آله و نجوم الارض من آل عبدالمطلب؟! و تهتفُّ باشیاخک، زعمت انک تنادیهم! فلترون و شیکاً موردهم، و لتودن انک شللت و بکمت و لم تکن قلت ما قلت و فعلت ما فعلت. اللهم خذ بحقناه و انتقم ممن ظلمنا، و احلل غضبک بمن سفک دماءنا و قتل حماتنا. فوالله مافریت الاجلدک و لا حززت الا لحمک، و لتردن علی رسول الله صلی الله علیه و آله بما تحملت من سفک دماء ذریته و انتهکت من حرمته فی عترته و لحمته و حیث یجمع الله شملهم ویلم شعشهم و یاخذ بحقهم «و لا تحسبن الذین قتلوا فی سبیل الله امواتا بل احیاء عند ربهم یرزقون» و حسبک بالله حاکماً، و بمحمد خصیماً و بجبرئیل ظهیراً، وسیعلم من سول لک و مکنک من رقاب المسلمین، بئس للظالمین بدلا و ایکم شر مکاناً و اضغف جنداً. و لئن جرت علی الدواهی مخاطبتک، انی لاستصغر و قدرک، و استعظم تقریعک و استکثر توبیخک، لکن العیون عبری، و الصدور حری. الا ـ فالعجب کل العجب لقتل حزب الله النجباء بحزب الشیطان الطلقاء، فهذه الایدی تنصح من دمائنا، و الافواه تتحلب من لحومنا، و تلک الجثث الطواهر الزواکی تتاهبها العواسل و تعفوها امهات الفواعل، و لئن اتخذتنا مغنماً لبقدنا و شیکا مغرما، حین لا تجد الا ما قدمت یداک، و ماربک بظلام للعبید، فالی الله المشتکی. و علیه المعول فکذکیدک، واسع سعیک، و ناصب جهدک فوالله لا تمعون ذکرنا، و لا تمیت وحینا، و لا تددک امرنا، و لا ترحض عنک عارها، و هل رایک الافندا و ایامک الاعددا، و جمعک الا بددا، یوم ینادی المناد، الا لعنه الله علی الظالمین، فالحمد لله الذی ختم لاولنا بالسعاده و المغفره، و الاخرنا بالشهاده و الرحمه. و نسال اللدان یکمل لهم الثواب و یوجب لهم المزید، و یحسن علینا الخلافه، انه رحیم و دود. و حسبنا الله و نعم الوکیل.»[۳]

ص: ۱۴

عین متن لهوف در کتاب ابو مخنف نیز وارد شده است و ترجمه آن از ابومخنف چنین است:

«زینب دختر علی بن ابی طالب علیه السّلام برخاست و گفت: «سپاس خدای را که پروردگار جهانیان است و درود خدا بر پیغمبر صلی الله علیه و آله و همه خاندان او باد. راست گفت خدای سبحانه که فرمود: «سزای کسانی که مرتکب کار زشت شدند زشتی است، آنان که آیات خدا را تکذیب کردند و به آن ها استهزاء نمودند.» ای یزید آیا گمان می بری این که اطراف زمین و آفاق آسمان را بر ما تنگ گرفتی و راه چاره را بر ما بستی که ما را به مانند کنیزان به اسیری برند، ما نزد خدا خوار و تو سربلند گشته و دارای مقام و منزلت شده ای، پس خود را بزرگ پنداشته به خود بالیدی، شادمان و مسرور گشتی که دیدی دنیا چند روزی به کام تو شده و کارها بر وفق مراد تو می چرخد، و حکومتی که حق ما بود در اختیار تو قرار گرفته است، آرام باش، آهسته تر. آیا فراموش کرده ای قول خداوند متعال را «گمان نکنند آنان که کافر گشته اند این که ما آنها را مهلت می دهیم به نفع و خیر آنان است، بلکه ایشان را مهلت می دهیم تا گناه بیشتر کنند و آنان را عذابی باشد دردناک»

آیا این از عدالت است ای فرزند بردگان آزاد شده (رسول خدا صلی الله علیه و آله) که تو، زنان و کنیزگان خود را پشت پرده نگه داری ولی دختران رسول خدا صلی الله علیه و آله اسیر باشند؟ پرده حشمت و حرمت ایشان را هتک کنی و صورتهایشان را بگشایی، دشمنان آنان را شهر به شهر ببرند، بومی و غریب چشم بدانها دوزند، و نزدیک و دور و وضیع و شریف چهره آنان را بنگرند در حالی که از مردان و پرستاران ایشان کسی با ایشان نبوده و چگونه امید می رود که مراقبت و نگهبانی ما کند کسی که جگر آزادگان را جویده و از دهان بیرون افکنده است، و گوشتش به خون شهیدان نمو کرده است. (کنایه از این که از فرزند هند جگر خوار چه توقع می توان داشت) چگونه به دشمنی با ما نشتابد آن کسی که کینه ما را از بدر و احد در دل دارد و همیشه با دیده بغض و عداوت در ما می نگرد. آن گاه بدون آن که خود را گناهکار بدانی و مرتکب امری عظیم بشماری این شعر می خوانی:

ص: ۱۵

فاهلوا و استهلوا فرحاً ثم قالوا یا یزید لا تشل

و با چوبی که در دست داری بر دندانهای ابو عبدالله علیه السّلام سید جوانان اهل بهشت می زنی. چرا این شعر نخوانی حال آن که دل های ما را مجروح و زخمناک نمودی و اصل و ریشه ما را با ریختن خون ذریه رسول خدا صلی الله علیه و آله و ستارگان روی زمین از آل عبدالمطلب بریدی، آن گاه پدران و نیاکان خود را ندا می دهی و گمان داری که ندای تو را می شنوند. زود باشد که به آنان ملحق شوی و آرزو کنی کاش شل و گنگ بودی نمی گفتی آنچه را که گفتی و نمی کردی آنچه را کردی. بارالها بگیر حق ما را و انتقام بکش از هر که به ما ستم کرد و فرو فرست غضب خود را بر هر که خون ما ریخت و حامیان ما را کشت. ای یزید! به خدا سوگند نشکافتی مگر پوست خود را، و نبریدی مگر گوشت خود را و زود باشد که بر رسول خدا صلی الله علیه و آله وارد شوی در حالتی که بر دوش داشته باشی مسئولیت ریختن خون ذریه او را، و شکستن حرمت عترت و پاره تن او را، در هنگامی که خداوند جمع می کند پراکندگی ایشان را، و می گیرد حق ایشان را «و گمان مبر آنان را که در راه خدا کشته شدند مردگانند، بلکه ایشان زنده اند و نزد پروردگار خود روزی می خورند.» و کافی است تو را خداوند از جهت داوری و کافی است محمد صلی الله علیه و آله تو را برای مخاصمت و جبرئیل برای یاری او و معاونت.

ص: ۱۶

و بزودی آن کس که کار حکومت تو را فراهم ساخت و تو را بر گردن مسلمانان سوار نمود، بداند که پاداش ستمکاران بد است و در یابـد که مقام کدام یک از شـما بدتر و یاور او ضـعیف تر است. و اگر مصایب روزگار مرا بر آن داشت که با تو مخاطبه و تکلم کنم ولی بـدان قـدر تو را کم می کنم و سـرزنش تو را عظیم و توبیخ تو را بسـیار می شـمارم، این جزع و بی تابی که می بینی نه از ترس قدرت و هیبت توست، لکن چشمها گریان و سینه ها سوزان است. چه سخت و دشوار است که نجیبانی که لشکر خداوندند به دست طلقاء (آزاد شدگان) که حزب شیطانند، کشته گردند و خون ما از دستهایشان بریزد، و دهان ایشان از گوشت ما بدوشد و آن جسد های پاک و پاکیزه را گرگهای بیابان سرکشی کنند، و کفتارها در خاک بغلطانند (کنایه از غربت و بی کسی آنها). ای یزید! اگر امروز ما را غنیمت خود دانستی زود باشـد که این غنیمت موجب غرامت(ضـرر) تو گردد در هنگامی که نیابی مگر آنچه را که از پیش فرستاده ای، و نیست خداوند بر بندگان ستم کننده، به خدا شکایت می کنیم و بر او اعتماد می نماییم.

ای یزیـد! هر کیـد و مکر که داری بکن، هر کوشـش که خواهی بنمای، هر جهـد که داری به کار گیر، به خدا سوگند هرگز نتوانی نام و یاد ما را محو کنی، وحی ما را نتوانی از بین ببری، به نهایت ما نتوانی رسـید، هرگز ننگ این سـتم را از خود نتوانی زدود، رای توست و روزهای قدرت تو اندک و جمعیت تو رو به پراکندگی است،در روزی که منادی حق ندا کند که لعنت خدا بر سـتمکاران باد.

ص: ۱۷

سپاس خدای را که اول ما را به سعادت و مغفرت ثبت کرد و آخر ما را به شهادت و رحمت فائز گرداند، از خدا می خواهیم که ثواب آنها را کامل کند و بر ثوابشان بیفزاید، و برای ما نیکو خلف و جانشین باشد، که اوست خداوند رحیم و پروردگار ودود، و ما را کافی در هر امری و نیکو وکیل است.»[۴]

معرفی منابع جهت مطالعه بیشتر:

۱. منتهی الامال شیخ عباس قمی.

۲. تاریخ الرسل و الملوک طبری.

۳. نفس المهموم، شیخ عباس قمی. [۱] . جعفری، سیدحسین محمد، تشیع در مسیر تاریخ، مترجم سیدمحمدتقی آیت اللهی، چاپ ۱۰، ص ۸۰.

[۲] . فاطمه دختر حسین علیه السّلام فرموده هنگامی که ما را با آن وضع رقت بار وارد مجلس یزید نمودند، یزید از مشاهده حال ما متاثر شد همان وقت یکی از شامی ها که آدمی سرخ گون بقود چشمش به من که دختری زیبا چهره بودم افتاد و به یزید گفت چقدر مناسب است این کنیزک را به من بخشایی ... شیخ مفید، ارشاد، مترجم، محمد باقر ساعدی خراسانی، تهران، کتابفروشی اسلامیه، چ سوم، ۷۶، ص ۴۷۹.

[۳] .ابن طاووس، علی بن موسی بن جعفر، الملهوف علی قتلی الطفوف، تهران، درالاسوه، چ دوم، ۷۵، ص ۲۱۵.

[۴] . ابومخنف، مقتل الحسین (اولین مقتل سالار شهیدان)، مترجم سید علی محمد موسوی جزایری، قم، انتشارات امام حسن، چ اول، ۸۰، ص ۳۹۳.

کرامات

۱–مرحوم سید کمال الدین رقعی ، که زمانی مسیولیت واحد تاءسیسات و برق صحن مقدس حضرت زینب (سلام الله علیها) را به عهده داشت ، برای یکی از دوستان خود چنین تعریف می کرد :

ص: ۱۸

روزی پسری به نام ((صاحب)) مشغول چراغانی مناره های حرم حضرت زینب (سلام الله علیها) برای جشن مبعث بود که از بالای پشت بام به وسط حیاط صحن سرنگون شد . مردم جمع شدند و بلافاصله او را به بیمارستان عباسیه شهر شام منتقل کردند و به علت حال بسیار وخیم او ، توسط پزشکان بستری شد .

خود او نقل می کند : هنگامی که در روی تخت دراز کشیده بودم ، ناگهان بی بی مجلله ای دست یک دختر کوچک را گرفته و آن دختر فرمود : اینجا چه می کنی ؟ بر خیز و برو کارت را انجام بده . و باز ادامه داد : عمه جان ! بگو برود و کارش را انجام بدهد . بی بی اشاره فرمود : برو کارت نیمه تمام مانده . من که ترسیده بودم ، با همان لباس بیمارستان از روی تخت بلند شدم و فرار کردم . در خیابان افرادی که مرا آورده بودند با تعجب از من پرسیدند : اینجا چه می کنی ؟ و چرا از بیمارستان بیرون آمدی ؟ من شرح واقع را گفتم و خلاصه ، این واقعه ، مشهور آن زمان شهر شام شد .

۲-نقل می کنند : در بروجرد مردی یهودی بود به نام یوسف ، معروف به دکتر . او ثروت زیادی داشت ولی فرزند نداشت . برای داشتن فرزند چند زن گرفت ، دید از هیچ کدام فرزندی به دنیا نیامد . هر چه خود می دانست و هر چه گفتند عمل کرد ، از دعا و دارو ، اثر نبخشید . روزی مایوس نشسته بود ، مرد مسلمانی نزد او آمد و پرسید : چرا افسرده ای ؟ گفت ، چرا نباشم ، چند میلیون مال و ثروت برای دشمنان جمع کردم ! من که فرزندی ندارم که مالک شود . اوقات وارث ثروت من می شود . مرد مسلمان گفت : من راه خوبی بهتر از راه تو می دانم . اگر توفیق داشته باشی ، ما مسلمانان یک بی بی داریم ، اگر او را به جان دخترش قسم بدهی ، هر چه بخواهی ، از خدا می خواهد . تو هم بیا مخفی برو حرم زینب (سلام الله علیها) و عرض حاجت کن تا فرزنددار شوی . می گوید : حرف این مرد مسلمان را شنیدم و به طور مخفی از زنها و همسایه هایم و مردم با قافله ای به دمشق حرکت کردم . صبح زود رسیدیم ، ولی به هتل نرفتم ، اول غسل و وضو و بعد هم زیارت و گفتم : آقا یا رسول الله ! دشمن تو و دامادت در خانه فرزندت برای عرض حاجت آمده ، حاشا به شما بی بی جان ! که مرا ناامید کنی . اگر خدا به من فرزندی دهد ، نام او را از نام ایمه می گذارم و مسلمان می شوم . او با قافله برگشت . پس از سه ماه متوجه شد که زنش حامله است ، چون فرزند به دنیا آمد و نام او را حسین نهادند و نام دخترش را زینب . یهودیها فهمیدند و اعتراضها به من کردند که چرا اسم مسلمانها را برای فرزندت انتخاب کردی . هر چه دلیل آوردم نشد قصه را بازگو کردم ناگهان دیدم تمام یهودیهایی که در کنار من بودند با صدای بلند گفتند : ((اشهد ان لا اله الا الله و اشهد ان محمدا رسول الله و اشهد ان علیا ولی الله)) و همه مسلمان شدند .

ص: ۱۹

۲۰۰داستان از فضایل ، مصایب و کرامات حضرت زینب (سلام الله علیها).

امام زمان علیه السلام وحضرت زینب (سلام الله علیها)

۱-مرحوم آیت الله سید نورالدین جزایری (متوفی ۱۳۴۸ ه ق) در کتاب ((الخصایص الزینبیه)) آورده است که عالم دانشمند و محدث خبیر شیخ محمد باقر قاینی ، صاحب کتاب کبریت الاحمر در کتاب کشکول خود به نام ((سفینه القماش)) می نویسد :

در عصری که در نجف اشرف به تحصیل علوم حوزوی اشتغال داشتم در آنجا سیدی زاهد و پرهیز کار بود که سواد نداشت ، روزی در حرم امیرالمومنین علی (علیه السلام) به زیارت مرقد حضرت مشغول بود ، دید یکی از زایران ترک زبان ، گوشه ای از حرم نشست و مشغول تلاوت قران شد ، این سید جلیل احساساتی شد و به خود گفت : ((آیا سزاوار است که ترک و دیلم قران ، کتاب جدت را بخوانند و تو بی سواد باشی و از خواند آیات قرآن محروم بمانی ؟ !)) او از روی غیرت و همت قسمتی زا اوقاتش را در سقایی (آبرسانی) صرف کرد تا مخارج زندگی اش را تاءمین کند ، و قسمت دیگر را به تحصیل علوم پرداخت و کم کم ترقی کرد تا به حدی که در درس خارج آیت الله العظمی میرزا محمد حسن شیرازی (میرزای بزرگ ، متوفی ۱۳۱۲ ه ق) شرکت می کرد و به درجه ای رسید که احتمال می دادند به حد اجتهاد رسیده است . این سید جلیل و پارسا برای من چنین نقل کرد : در عالم خواب امام زمان حضرت ولی عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) را دیدم ، بسیار غمگین و آشفته حال بود ، به محضرش رفتم و سلام کردم ، سپس عرض کردم : ((چرا این گونه ناراحت و گریان هستی ؟)) فرمود : ((امروز روز شهادت عمه ام حضرت زینب (سلام الله علیها) است . از آن روزی که عمه ام زینب (سلام الله علیها) شهادت کرده ، تاکنون ، هر سال در روز شهادت او ، فرشتگان در آسمانها مجلس عزا به پا می کنند ، آن چنان می گریند که من باید بروم و آنها را ساکت کنم ، آنها خطبه حضرت زینب (سلام الله علیها) را که در بازار کوفه خواند ، می خوانند و می گریند ، من هم اکنون از آن مجلس فرشتگان مراجعت نموده ام .)) ۲-حاج ملا سلطانعلی ، که از جمله عابدان و زاهدان بود ، می گوید :

ص: ۲۰

((در خواب به محضر مبارك امام زمان (علیه السلام) مشرف شدم ، عرض كردم : مولای من ! آنچه در زيارت ناحيه مقدسه ذكر شده است كه ((ً فَلَأَنْدُبَنَّکَ صَبَاحاً وَ مَسَاءً وَ لَأَبْكِيَنَّ عَلَيْکَ بَدَلَ الدُّمُوعِ دَما)) صحيح است ؟ فرمود : آری !

گفتم : آن مصیبتی كه در سوگ آن ، به جای اشك خون گريه می كنيد ، كدام است ؟ آن مصيبت علی اكبر است ؟ فرمود : نه ! اگر علی اكبر زنده بود ، او هم در اين مصيبت ، خون گريه می كرد !

گفتم : آيا مقصود مصيبت حضرت عباس (علیه السلام) است ؟ فرمود : نه ! بلكه آن حضرت عباس هم در حيات بود ، او نيز در اين مصيبت خون گريه می كرد !

عرض كردم : آيا مصيبت حضرت سيدالشهداء (علیه السلام) است ؟ فرمود : نه ! اگر حضرت سيد الشهداء (علیه السلام) هم بود ، در اين مصيبت خون گريه می كرد !

پرسيدم : پس اين كدام مصيبت است ؟ فرمود : مصيبت اسارت عمه ام زينب (سلام الله علیها) است .))

داستان از فضايل ، مصايب و كرامات حضرت زينب (سلام الله علیها) نوشته عباس عزيزی.

شهادت فرزندان حضرت زینب (سلام الله علیها)

اشاره

شهادت فرزندان حضرت زینب (سلام الله علیها)

قهرمان كربلا-زينب كبری (سلام الله علیها) علاوه بر فداكاری ها و ايثارگری ها دو تن از فرزندانش را نيز فدای راه برادرش امام حسين (علیه السلام)كرد و در روز عاشورا فرزندان آن بانوی بزرگوار به نام های محمد و عون به شهادت رسيدند.

ص: ۲۱

۲- سخن زینب با عمر سعد و لشکریانش در روز عاشورا

مرحوم شیخ مفید رحمه اللَّه علیه چنین نقل می کند که: چون روز عاشورا حضرت زینب (سلام الله علیها) نگاهش به امام حسین (علیه السلام)افتاد که در محاصره و هجوم دشمنان قرار گرفته، تمام بدنش را تیر باران کرده اند. کنار خیمه آمد و فریاد برآورد:

وای بر تو ای عمر سعد، آیا حسین کشته می شود و تو تماشا می کنی؟ او جواب زینب را نداد. دوباره زینب (سلام الله علیها) فریاد زد: آیا در میان شما مسلمان پیدا نمی شود بازهم کسی جواب زینب را نداد. در برخی از منابع چنین آمد: در حالی که اشکهای عمر سعد بر دو گونه و محاسنش روان بود روی خود را از زینب برگردانید.

حضرت زینب (سلام الله علیها) در هنگام محاصره شدن امام توسّط لشکریان یزید اشعار زیر را سرود:

مِلْ ءُ الْقِفارِ عَلَی ابْنِ فاطِمَهِ جُنْدٌ وَ مِلْ ءُ قُلُوبِهِمْ ذُحُلَ جَحافِلٍ بِالَّطفِّ اوَّلُها وَاخیرُها بِالشَّامِ مُتَّصِلُ

بیابان بر ضدّ فرزند فاطمه از لشکر پر و دلهایشان مملو از انتقام است!

لشکر انبوهی که یک سرش در کربلا و سر دیگرش در شام می باشد.

اسیران و جانبازان کربلا، ص: ۱۰۰

وداع امام (علیه السلام) و درخواست پیراهن کهنه

- وداع امام حسین(علیه السلام)و درخواست پیراهن کهنه از حضرت زینب(سلام الله علیها) و سفارش به خواهرش درباره زنان و کودکان

در ساعت های آخر روز عاشورا هنگامی که امام (علیه السلام)تنها شد به طرف خیمه آمد و فریاد زد: یا زینب، امّ کلثوم، یا فاطمه، یا سکینه، یا فلانه (که همه را به اسم صدا زد) علیکنّ منی السّلام سپس به خواهرش زینب سفارش زنها و کودکان را نمود. آنگاه فرمود: برای من پیراهن بیاور که آن را زیر لباسم قرار دهم تا کسی رغبت نکند آن را از تنم بیرون بیاورد؛ سپس حضرت زینب(سلام الله علیها)برای او لباس تنگ آورده (اکراه حضرت از پوشیدن لباس تنگ)حضرت آن را دور انداخت و فرمود: این لباس کسی است که ذلیل و خوار شده باشد. آنگاه پیراهن کهنه آورده، آن را پاره کرد و در زیر لباسهایش قرار داد سپس تقاضای زیر جامه کرد و آن را هم پاره پاره کرد، پوشید و آماده جنگ شد.

اسیران و جانبازان کربلا، ص: ۱۰۱

ص: ۲۲

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ .ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹


قائمیه
مرکز تحقیقات رایانه‌ای
اصفهان
WWW
برای داشتن کتابخانه های‌تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشـــانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹